



جاودانگی راه امام

اهمیت انقلاب اسلامی

قسمت دهم

حجة الاسلام والمسلمین اسدالله بیات

مقدس الهی باز میماند و بتدریج سیر فقرا را شروع و شرایط هبوط و سقوط خود را فراهم میسازد و مرگ واقعی انسان همین است. و در واقع انسان فطری و سالم از نظر خلقت همیشه باید در حال انقلاب و جوشش و زایش باشد و جامعه انسانی نیز این حالت و وضعیت را در خود ذخیره و در بازتابها و برخوردها و رفتار و کردارها باید نشان دهد زیرا کمال و رشد او در سایه انقلاب و شیوه های انقلابی است و انقلاب و دگرگونی از مقتضیات طبیعت عالم ماده و لازمه جوهره اوست و انسان دست نخورده و سالم انسانی است که هماهنگ با طبیعت در حال عوض شدن و نوشدن و تحول عمیق بوده و هر روز وضعیت جدید و نوی را در سایه مقررات الهی بدست آورده و مرحله به مرحله به عالم بی نهایت و کمال مطلق نزدیک گردد.

حضرت امام «قدس سره» اعتقادشان این است که دنیای اسلام خصوصاً و بشریت مظلوم عموماً در اثر اینکه از طبیعت خدادادی خویش نهی گردیده و در مسیر دیگری که برخلاف طبیعت و فطرت آنها است قرار گرفته اند و از مرکزیت و مبدأ خویش جدا شده اند، در نتیجه این همه گرفتاریها و بدبختیها دامنگیرشان شده است، برای اینکه زندگی سالم و طبیعی برای انسان فقط و فقط در سایه حاکمیت احکام الهی امکان پذیر است و اگر حاکمیت دین در کار نباشد و مردم بدون تعلق و وابستگی به ارزشهای دینی به حیانتشان ادامه دهند، زیان و خسارتهای آن دامن همگان را دربر خواهد گرفت و زندگی برای همگان ضنک خواهد شد زیرا که امکانیات انسان در زوایای مختلف فقط با حاکمیت دینی و الهی، زمینه ظهور و بروز را پیدا مینماید و راحتی جسم و روان آدمی منحصرراً در ظل حکومت حق الهی بدست می آید «الابد کراه الله تعلیق القلوب». فقط با یاد خدا دلهای انسانها آرامش می پذیرند و بدون یاد خدا اطمینان و آرامش، مفهوم و معنی درستی نخواهد داشت.

این جمله یک موضوع القانی و تلقینی و تعمیدی محض نیست، بلکه ارشاد بیک حقیقت واقعی و خدادادی است چون ساختمان آفرینش انسان این چنین است و انسان اینگونه خلق شده است. انقلاب اسلامی تنها یک حرکت و دگرگونی در ظواهر زندگی و صورت بیرونی ارتباط انسانها نیست و تنها جایگزین کردن یک سیستم در جای سیستم دیگری نمی باشد و تنها

تا اینجا پیشگفتار امام رحیل ما بود که پایان یافت و با امضاء مبارکشان (روح الله الموسوی الخمینی) قدس سره سندیت و صحت مطالب مندرج را گواهی و مورد تأیید قرار داده اند و این سکت را در تمام اوراق وصیت نامه سیاسی الهی انجام داده اند بنابراین همه مطالب آن از صحت کامل و سندیت بالای تری برخوردار بوده و روی تک تک کلمات آن میتوان استناد و استدلال کرد و بعنوان نظر و اندیشه و فکر حضرت امام «قدس سره» مطرح نمود.

تا اینجا مطالبی مطرح شد که بعنوان پیش گفتار حضرت امام قدس سره عنوان فرموده بودند از این پس وارد اصل وصیت نامه میشویم و با همان ترتیب که حضرت امام عزیزمان جلورفته اند و روی آن تکسبه فرموده اند، بررسی و توضیح را انجام داده و در اختیار علاقمندان به انقلاب و نهضت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در سراسر عالم میگذاریم، بامید اینکه خدای عالم توفیق ادامه این حرکت علمی و انقلابی را عنایت فرماید و از هدایت معنوی روح بلندشان بهره مندمان نماید و توفیق عینت بخشیدن به پیام و محتوای آن را عطا کند.

اهمیت انقلاب اسلامی در نظر حضرت امام «رضی»

انقلاب اسلامی جزء واژه ها و کلماتی است که نقش خاصی در دید امام انقلاب و سخنان و پیامهای ایشان دارد. شاید هیچ کلمه ای به اندازه قداست و اهمیت این واژه و کلمه در نظر ایشان جایگاهی نداشته باشد؛ علت آن این است که انقلاب بطور مطلق و انقلاب در چهار چوب ارزشهای الهی و اسلامی در نظرشان چیزی جز پیام و اهداف بلند رسولان خدا و صالحان روی زمین و انسانهای آزاده و حقیقت جو و رهانی طلب از قید و بند اسارت و بردگی در عالم ماده و طبیعت نمی باشد.

اگر انسان انقلابی زندگی نکند و دارای فکر و اندیشه انقلابی نباشد و بطور همیشه در فکر و اندیشه حفظ وضع موجود باشد و بتعبیر روایات اسلامی طوری زندگی را طراحی نماید که هر دور زوی یکسان بوده و هیچگونه تغییر و دگرگونی در مسیر زندگی خویش بوجود نیآورد، مطمئناً چنین انسانی در مسیر اهداف خویش توفیق بدست نیآورد و از آرمانهای

عوض شدن افراد حاکم و تصمیم گیر در نظام نمیباشد، بلکه عوض شدن همه چیزها و مسایل حاکم که قبل از تحقق انقلاب بارز و آشکار بود و جایگزینی ارزشهای والای انسانی و الهی در ابعاد مختلف زندگی است و لذا دارای اهمیت بالا است و هیچ چیز نمی تواند با آن برابری کند و یا با آن در میدان تراحم، قابل رقابت باشد. و برای همین تحلیل است که در راه انقلاب اسلامی، از همه چیز میشود گذشت و برای تحقق آن فدا کرد؛ و قربانی داد اما برای هیچ چیزی ولو اینکه خیلی هم مهم و ارزشمند باشد، نمی توان از انقلاب اسلامی کوتاه آمد، و از آن صرف نظر کرد و انقلاب اسلامی خودش عین ارزش بوده و با هیچ ارزش دیگری قابل مقایسه و ارزیابی نمیباشد و هر چیزی در میدان مقایسه با اصل انقلاب اسلامی، فرعی و جنسی بودن خودش را بازگویی نماید این معنا آن قدر واضح و آشکار است که هیچگونه نیازی با استدلال و اقامه برهان ندارد و مقتضای منون اسلامی و قانون اهم و مهم هم همین است. و لذا اهمیت انقلاب اسلامی همیشه مد نظر مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی و پیمان گذار جمهوری اسلامی قرار گرفته و در هر فرصت مناسبی، امت اسلامی را متوجه موضوع نموده و روی آن در مقاطع مختلف تکیه کرده است و کمتر موردی بوده که با ملت صحبت کرده باشد اما مشخصی از انقلاب اسلامی و اهمیت آن بیان نیاورده باشد و مردم را برای حفاظت از دست آوردهای آن دعوت نکرده باشد، و هرگز موردی نبوده است که امام به تشریح زوایای مختلف آن پرداخته باشد.

گاهی سخن از زمینه های بوجود آمدن انقلاب اسلامی بسیار آورده است و گاهی ویژگیهای آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است و گاهی دست آوردها و ثمرات و برکات آنرا بر شمرده و ملت اسلام را بقدردانی و پاسداری از حریم آنها خوانده است. و لذا برای بیشتر روشن شدن موضوع به سخنان حضرتشان در موارد مختلف اشاره می شود؛ علاقمندان می توانند تفصیل آن را در جای خود مشاهده نمایند.

«شما میدانید که این انقلاب بهترین انقلابها است و بزرگترین انقلابها بوده است از حیث محتوی محتوای این انقلاب، اسلام و اخلاق اسلامی است و اخلاق انسانی و تربیت انسانها بر موازین انسانیته بوده است. بنابراین است که به واسطه این انقلاب متحول بشود یک انسانهایی که در رژیم سابق هم به آن وضع بودند به یک انسانهایی که از صدر اسلام و در رکاب رسول اکرم (ص) مشغول فداکاری یا ترویج احکام بودند بشوند».

و در جای دیگری می فرماید:

«ملت ایران، خواهران و برادران عزیز می دانند که انقلاب عظیم ایران که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است. از ارزشهای بزرگی برخوردار است که بزرگترین آن مکتبی بودن و اسلامی بودن آن است، همان ارزشی که پیامبران عالی مقام در پی آن قیام نمودند. ابد است که این انقلاب جرقه و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در نوده های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء منتهی شود».

باز در موردی دیگری فرمایند:

«طبع یک انقلاب فداکاری است. لازمه یک انقلاب، شهادت و مهتا بودن برای شهادت است قربانی شدن و قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی آن اجتناب ناپذیر است بویژه انقلابی که برای خدا است و برای دیدن او؛ برای نجات مستضعفان است و برای قطع امید جهانخواران و مستکبرین. ما در هر جمعه و در هر جماعت و در هر محفل اسلامی و در هر گردهمایی برای یاری الله در انتظار قربانی هستیم و در انتظار شهادت؛ قربانی برای یک انقلاب بزرگ نشانه یک پیروزی و نزدیک شدن به هدف است».

حضرت امام معمار اصلی انقلاب در هر محفل و مجتمعی که آمادگی برای شنیدن سخنان امامشان داشتند و برای بهره گیری از هدایتهای پیامبرگونه حضرت امام «قدس سره» بحضور می رسیدند، ایشان راجع باینقلاب اسلامی و اهمیت آن مطالبی را گوشزد فرموده و به وظایف خطیر آنان در باره انقلاب اسلامی تأکید می کردند و از جهات مختلف ذهنیت آنان را نسبت به اینکه درباره انقلاب بیاندیشند و تحویلک در دنیای ظلمت امروز در سایه انقلاب اسلامی بوجود آمده است و جهانیان را در مقابل عظمت خودش متعجب و متحیر ساخته است، قدرش را دانسته و در حفظ و حراست آن بکوشند و از همه امکانات در این راستا استفاده نمایند و محتوای بزرگ و بلند آن را برای جهانیان نشنه معارف حقه الهی تبیین و تشریح سازند و با هوشیاری و بیداری مواظب توطئه ها و شیطنتها باشند، و بهمین جهت در این رهنمود جاودانه که راه سعادت بشریت را بصورت «وصیتنامه سیاسی الهی» مشخص نموده است؛ پس از پیشگفتار اولین موضوع مهم را که دارای جایگاه بسیار رفیع و بلند است و نسبت به تمام موضوعات و مسایل مطروحه بعدی محور و اساس است عظمت و اهمیت انقلاب را مطرح فرموده و در این باره چنین عنوان مینماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«اهمیت انقلاب شکوهند اسلامی که دست آورد میلیونها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید میلیونها مسلمانان و مستضعفان جهان است، بقدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والا تر و برتر است، اینجانب روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مأیوس نیستم و زاد راه بر خطرم همان دلبنگی بکرم کریم مطلق است بعنوان یک نفر طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقاء دست آوردهای آن و بشمر رسیدن هر چه بیشتر آن دارم بعنوان وصیت به نسل حاضر و تسلاهای عزیز آینده مطالبی هر چند تکراری عرض مینمایم و از خداوند بخشاينده میخواهم که خلوص تبت در این تذکرات عنایت فرماید.

۱- ما میدانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان خواران و مستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت سی و شش میلیونی با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن

تفرقه افکنی های بی حساب قلم داران و زبان مردان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل خدا اسلامی و خدمت ملی بصورت ملتیت و آن همه شعرا و بذله گوینها و آن همه مراکز عیاشی و فحشاء و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی مبین عزیز خود فعالیت نمایند بفساد و بی نظافتی در پیش آمدهای خانسانه که بدست شاه فاسد و بدرسی فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه های قدرتمندان بر ملت تحمیل میشد و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور بدست آنان سپرده میشد با بکار گرفتن معلمان و استادان غرب زده و یا شرق زده صد درصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملتی صحیح با نام ملتت و ملی گرایی گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثنی نمی توانستند انجام دهند و با این همه و دهها مسایل دیگر از آن جمله بانزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یک بارچه قیام کند و در سرتاسر کشور با ابدۀ واحد و فریاد الله اکبر و فداکاریهای حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را بدست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند ممان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است».

آری، این انقلاب در تمام مراحل با دیگر انقلابات دنیا متفاوت است. کدام انقلاب است که از اول انگیزه و هدفی جز احیاء ارزشهای الهی و حاکمیت احکام الله و امامت مستضعفان و صالحان و متقیان نداشته باشد؟ و نمودار این انگیزه و تبلور آن همان شعارها و اینارها و فداکاریها و شهادت طلبیها است. هر انسان منصفی با کمترین دقت این معنا را بخوبی در می یابد و اثرات عینی و ملموس آن را مشاهده میکند. کدام انقلاب است که این همه مردم از هر قشر و گروهی و بدون کوچکترین دلبه و نظاهری بصورت سبیل خروشان و با وحدت بی نظیر در مقابل دشمنان خدا بایستند و برای احساس وظیفه و تکلیف الهی پشت سر رهبری قرار گرفته و از اصول و آرمانهای امامشان دفاع و حمایت نمایند؟ و اگر نبود ایمان خالص مردم و باورشان بقدرت مطلقه الهی و اگر نبود باور آنان بحیات پس از مرگ و اگر کشته شدن در راه آرمانهای مقدس الهی را حیات جاودانه و «هند زهم برزفون» نمیدانستند، بدون تردید اینگونه پیروزی نصیب آنان نمیگشت و چنین انقلابی صورت نمی پذیرفت. این انقلابی که از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ با رهبری حضرت امام «قدس سره» و هدایت و روشنگری روحانیون پیرو راستین حضرت امام و فداکاری مردم تحقق پیدا کرد و پس از آن مدتی بعقل گویا گویی این حرکت کشنده گشت و شرایط رهائی برای امت اسلام فراهم نشد ولی در باطن بصورت ریشه ای امام است. با توجه بزمینه های خدادادی که در اکثریت قاطع مردم بود و همه از

وضعیت نابسامان حاکمیت زنج برده و ناراحت بودند و اعتقاد با اسلام و ارزشهای الهی در عمق جانیشان بود. به تربیت نسل انقلاب پرداختند و نهال بلند انقلاب اسلامی و نهضت مقدس خدایی را کاشتند و بتدریج رشد دادند و در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به ثمر رساندند و انقلابی را که در طول تاریخ با هیچ انقلابی جز انقلاب مقدس پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله قابل مقایسه و ارزیابی نبوده و با تحلیلهای معمولی و رایج انقلابات جهانی قابل تحلیل نمیباشد، بوجود آوردند و منشأ بروز و ظهور حرکتهای دیگری در سراسر جهان شدند که بدون شک قبل از وقوع این حادثه عظیم الهی و بتعبیر حضرت امام «قدس سره» معجزه خداوندی و تحفه الهی و هدیه غیبی است که از جانب خداوند ممان بر این ملت مظلوم و غارت زده عنایت شده است؛ انقلابی است که در عناصر محوری زیر با همه انقلابات دنیا متفاوت است:

الف- مکتبی بودن و الهی بودن انقلاب

اولین مشخصه این انقلاب مکتبی بودن و الهی بودن آن است و از اول در تمام زوایا روی اصول مکتب اسلام و مقررات دین خداوند تکیه داشت و رهبری و مردم بصورت یکدل و یکنواخت از اسلام و معیارهای اسلامی سخن میگفتند و ذره ای از آن حاضر نبودند کوتاه بیایند و از مواضع عدول کنند.

ب- رهبری الهی

دومین مشخصه آن رهبری الهی و پیامبرگونه امام امت اسلام «قدس سره» بود که با توجه بشرایط خاص فکری و خصایل بالا و ولای انسانی و الهی که مقام ولایت دارا بودند و از قاطعیت و عمق معرفت و شناخت مجتهدانه نسبت به اسلام و مکتب الهی داشتند و دارای محبوبیت و مقبولیت در حد مقدس ترین چهره های عالم در قلوب مسلمانان عالم و محرومان تاریخ بودند و زمان و مکان و جریانات گوناگون داخلی و خارجی را بخوبی و با دقت ارزیابی فرموده بودند و دهها و صدها خصوصیت عالی که در ایشان بنحو کامل وجود داشت و آنچه خوبان عالم بصورت مجموعه داشتند او به تنهایی داشت و بیشتر هم داشت؛ طبعاً توانست حرکت عظیمی را در تاریخ معاصر بوجود آورد که حیرت و تعجب زراندهوزان عالم را برانگیزد و آنان را در موضع انفعال قرار داده و اصول اسلامی را بصورت تهاجم بعد از انزوا مطلق برای جهانیان عرضه نماید.

ج- مردم خدا دوست و مقاوم

سومین مشخصه انقلاب اسلامی مردم و خصوصیتی است که در این مردم خدا دوست و مقاوم و آگاه وجود دارد کدام انقلاب است در عالم که این نوع مردم و با این وسعت و گستردگی در تمام شئون و در راه به ثمر رسیدن آن از همه چیزشان گذشت نموده و اینارگرانه عزیزانشان را قربانی کنند و با هوشیاری کامل همه نوع توطئه ها را خنثی سازند و ریشه های

شیطنت و خیانت را بخشکانند و در مقابل همه دوست داران دنیا و تجاوزات متجاوزین بایستند و از غیر خدا نهراسند و جز برای پیاده شدن احکام خداوند و آزادی واقعی انسانها برای چیز دیگری نیاندیشند و با کمال شهامت در مقابل قدرتهای بزرگ جهانی که در مقابل دینشان ایستاده اند و نمی خواهند دین خدا در زمین حاکم و جاری گردد و نمی خواهند مردم در سایه احکام الله آزادانه و بدون اسارت و بردگی زندگی نمایند و بلکه میخواهند بر تمام مقدرات سیاسی و مالی و اقتصادی آنان مسلط و بر سرنوشته آنان چیره گردند و ذخایرشان را ظالمانه مورد غارت و چپاولگری قرار دهند، مانند بنیان مرصوص و ستوار ایستادگی کرده و با کمال صراحت و جرأت در تحقیر و سرخوردن تهاجمی با آنان از همه نوع امکانات بهره برداری نمایند. این نوع فداکاری و آمادگی برای مبارزه با قدرتهای بزرگ جهانی و مستکبران جهان که مردم بزرگ ما در این عصر از خود نشان دادند و در میدانهای مختلف صلاحیت و توان غیر قابل توصیف و حیرت انگیزی را به مرحله بروز و ظهور آوردند بر کسی پوشیده نیست و بصورت تاریخ هم نمی باشد. آیا حضورشان در نظاهرات بر کسی پنهان است؟ و آیا حضورشان در تشکلهای گوناگون بسیج و پایگاههای مقاومت بر کسی پوشیده است؟ آیا حضورشان در صحنه های گوناگون سیاسی و نظامی بالخصوص دوران هشت ساله جنگ نابرابر و ظالمانه بر کسی پوشیده و پنهان است؟ آیا مادراتی نبودند که لباس رزم بر تن فرزندان نوجوان و جوانان می پوشاندند و برای شهادت در راه خدا اعزامشان می نمودند؟ آیا فرزندان این ملت نبودند که وقتی به زیارت امام ائمت اسلام «قتس سره» مشرف می شدند با هزاران شوق و امید و بایکدنیا صفا و روشنایی دل و نورانیّت قلب چیزی که از امام «رضوان الله علیه»

می خواستند دعا برای شهادتشان بود؟ و آیا این ملت و فرزندان این ملت نبودند که در میدان شهادت مسابقه می دادند و برای عبور از میدانهای مین گذاری شده از ناحیه دشمن، از همدیگر سبقت می گرفتند؟ و آیا زنان قهرمان و شجاع این مردم و ملت نبود و نیست که دوشادوش مردان در تمام صحنه ها حضور داشته و با قدرت و کرامت بی نظیر یاد فاطمه (ع) و زینب (ع) را زنده کرده اند و الگویی برای زنان دنیا به این زیبایی و شرافت ارائه نمودند؟ و اکنون نیز در این عصر قلب حقایق و ارزشها، با فرهنگ عفن غربی به مبارزه برخاسته و عملاً نشان دادند که میتوانند فرهنگی نو و جدید را در دنیای کنونی با تکیه بر ارزشهای الهی و انسانی عرضه کنند و دنیای تازه ای را به روی جهانیان و زنان مظلوم عصر انحطاط ارزشهای اخلاقی و عصر هجوم فرهنگ مبتذل غرب و سرمایه داری نشان دهند و با شیوه نئی زندگی ارزشمندی را آغاز نمایند که هم کرامت انسانی را دارا باشند و هم از آلودگیها و فساد رهائی یابند؛ هم بتوانند از عرضه خدمات اجتماعی بهره مند گردند و هم از کیان شرافت و حرمت خودشان حراست نمایند.

- ۱- اشاره است به آیه کریمه «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» سوره طه. آیه ۱۲۴.
- ۲- سوره رعد آیه ۲۸.
- ۳- در جستجوی راه دفتر دهم صفحه ۱۱۳ سخنرانی در جمع سفراء و دیپلماتهای جمهوری اسلامی، ۵۹/۱۱/۲۳.
- ۴- همان مصدر صفحه ۱۱۴ سخنرانی در جمع فرماندهان و گروهی از پاسداران روزنامه جمهوری اسلامی ۶۰/۵/۲۸.
- ۵- همان مصدر صفحه ۱۱۴ مؤرخه ۶۱/۱۰/۲۰.

ادامه دارد

بقیه از وصیت نامه امام و...

دارد، و شما هم از آن فرار کردید بگونه ای که حتی واقع شدید در ورطه نفی صفات از حقیقتی که در حق آن صفات می فرماید: «وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذُرُوا الدِّينَ يَلْحُدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَبْجُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» و قال تعالی شانه: «فَلِ ادْعُوا اللَّهَ وَأَدْعُوا الرَّحْمَنَ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى».

و آیا می برداری آن طایفه از حکماء عظام و اولیاء گرام رضوان الله علیهم که قائل به عنیّت صفات با ذات شده اند بهمان معنایی است که شما ذکر فرموده اید؟

و آیا مراد این عظام از عنیّت صفات با ذات مقدسه جز این است که وجود حقیقی به احدیّت جمع، همه متغایرات در آن یگانه و کثرتها در آن به هویت وحدانیّه جمعیه که منزّه از شأنیّه کثرت است با هم مجتمع اند؟ و لسان حکماء متألّهین به این امر عظیم به تعبیر «عنیّت» ناطق گردیده که علم به آن از اجلّ معارف الهیّه است و این همان است که عبارت: «بسیط الحقیقه کلّ الاشیاء بالوحده الجمعیة الالهیة» آمده است» (پایان ترجمه و تلخیص کلام امام قدس سره).

استاد امام قدس سره الشریف در کتاب کم نظیر اربعین در شرح حدیث سسی و ششم به این رأی و نظر قاضی علیه الرحمه اشاره فرموده اند که عین

روزنامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عبارتشان نقل می شود:

«بعضی، صفات حق را به امور عدیه ارجاع کردند و علم را عبارت از عدم جهل و قدرت را عدم عجز دانسته اند و در اهل معرفت کسی را که دیدم اصرار به این معنی دارد مرحوم عارف جلیل قاضی سعید قتی است که تبعیت از استاد خود که ظاهراً مرحوم ملا رجعی است نموده به بیانی که در شرح توحید مذکور است و ما در سالف زمان، جواب برهان او را و همین طور جواب تمسکات او را به ظواهر اخبار بوجه برهانی دادیم».

ظاهراً مراد استاد امام از سالف زمان که در آن اوقات جواب مرحوم قاضی «ره» داده اند زمان تألیف رساله «مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة» است که تاریخ فراخ از آن بیست و پنجم شهر شوال المکرم سنه هزار و سیصد و چهل و نه هجری قمری بوده و تاریخ اختتام کتاب اربعین روز جمعه چهارم محرم الحرام سنه هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری قمری بوده است.

ادامه دارد